



روزنکار هفدهمین جشنواره بین‌المللی
تئاتر کودک و نوجوان / همدان



نکوداشت مردی از جنس جنگل و دریا

کاندیداهای هفدهمین جشنواره بین‌المللی
تئاتر کودک و نوجوان همدان اعلام شدند

من و باغچه کوچک مادرم



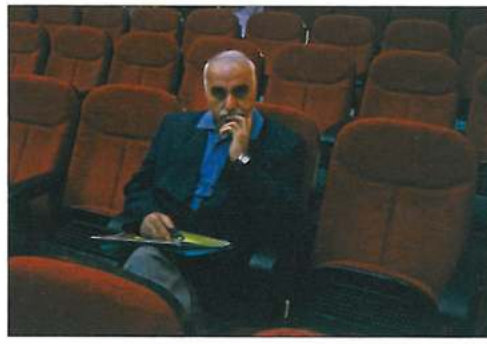
حیاط کوچک خانه ما باغچه کوچکی داشت. توی باغچه کوچک ما، گل‌های بسیاری بود. سرخ، بنفش و آبی. مادرم باغچه کوچکش را خیلی دوست داشت و هر روز صبح با آب‌پاش کوچکش به گل‌های رنگارنگ آب می‌داد. وقتی گلی از باغچه کوچک حیاط ما زرد یا پژمرده می‌شد، دل مادرم می‌گرفت و بی‌اختیار اشک از گونه‌هایش فرو می‌چکید. او مواظب گل‌هایش بود و نمی‌گذاشت هیچ آفتی آنها را تهدید کند.

سال‌هاست مادرم پیش خدا رفته است و من هر وقت به یاد او می‌افتم بی‌اختیار به یاد گل‌هایش هم می‌افتم و هر وقت هم به گل‌های مادرم می‌اندیشم، خیلی زود به یاد بچه‌ها می‌افتم. بچه‌هایی که گل‌های باغ زندگی هستند و بیش از هر باغچه‌ای نیاز به مراقبت و نگهداری دارند. من بچه‌ها را دوست دارم و هرگز دلم نمی‌خواهد آفتی - خدای ناکرده - آنان را تهدید کند. من با هر آفتی که بچه‌ها را تهدید کند مبارزه می‌کنم و سلاح من برای این مبارزه هنر تئاتر است. شما چطور؟

تقدیم به تمام بچه‌های دنیا
دوست بچه‌ها: رضا فیاضی

دوران کودکی

*** داریوش مودییان



در **دوران نونهالی** - دوران خردسالی - به همراه پدرم به دیدن تئاتر می‌رفتم. تئاتر بزرگسالان! و آینده خود را بر روی صحنه در میان آن گروه بزرگسالان جسور ژرفاندیش جستجو می‌کردم!!

و سپس **دوران کودکی** - دوران دبستانی - فراسید، در آنجا - دبستان - بود که تئاتر را آغاز کردم. در دوران کودکی، در نمایش هایمان زندگی بزرگترها را تقلید می‌کردیم؛ بعدها در یافتن تقلید و نقد جهان بزرگترها، از سویی رمز ماندگاری تئاتر کودک است!

در **دوران نوجوانی** - سال‌های نخستین دبیرستان - زندگی حرفه‌ای تئاتری‌ام را آغاز کردم. از من خواستند که «دیگر ادای بزرگترها را در نیابورم» - یعنی که خود باشم - و این چقدر سخت بود! و این «خود بودن، صادق بودن» - رمز ماندگاری **من و ما** در تئاتر است!!

و **اینک** در آغاز فصل بختگی، پس از تجربه‌های فراوان و از سر گذراندن دوران گوناگون زندگی و کار در اینجا و آنجا، این سوی و آن سوی، باید که خود باشم و در عین حال آن **کودک** شادابی باشم که بودم، کودکی که هنوز در آغاز راه با بیم و امید بسیار تجربه می‌کند، نمی‌هراسد و جسورانه چشم به **آینده‌ای** روشن دارد.

کاندیداهای هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان

همدان اعلام شدند

هیات داوران هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان پس از بحث و بررسی فراوان، در آخرین ساعات روز شنبه، کاندیداهای بخش‌های مختلف جشنواره را اعلام کردند. بر این اساس در بخش مسابقه ایران کاندیدها به شرح ذیل است:

نمایش‌نامه

- سفر عجیب دلک / رضا یونسی فرد از اراک
- گمشده / اکرم ابوالمعالی از اصفهان

کارگردانی

- ترب / صمد آذرخش از قم
- سفر عجیب دلک / رضا یونسی فرد از اراک

بازیگری مرد

- حسن پورمهیدی / آرزوی قشنگ رعنا از لاهیجان

- حمید تریابیان / لپ گلی از همدان

- حامد رسولی / ترب از قم

بازیگری زن

- مریم اکبری / شکارچی و پرنده از تهران

- سمانه سینتا / ترب از قم

- فاطمه علی پرست / آرزوی قشنگ رعنا از لاهیجان

طراحی صحنه

- احمد پناه نجات / گمشده از اصفهان

- نوشین بیگلریان / جشن تولد از همدان

طراحی لباس

- روشنگ کریمی / شکارچی پرنده از تهران

- مهدی نیک روش / ترب از قم

- راضیه پاشایی / لپ گلی از همدان

موسیقی

- محمدرضا عالی‌شاه / آواز خوشخویی از قائم‌شهر

- حامد جهانبخش / ترب از قم

نمایش برگزیده

- شکارچی و پرنده از تهران

- ترب از قم

- سفر عجیب دلک از اراک

همچنین هیات داوران بخش بین‌المللی جشنواره کاندیداهای خود را به شرح ذیل اعلام کرد:

نمایش‌نامه

- قصه سیبی که پرواز کرد / مجتبی مهدی

- سلطان و گاگول / باربل مایر

- علی بابا / زعیفری بن هوسین

- لاکریموسا / برونو پیلز

کارگردانی

- لاکریموسا / برونو پیلز

- سلطان و گاگول / پی‌یر دامینگر

- دو بعد زندگی او / فلور الیزه نوبل

- علی بابا / زعیفری بن هوسین

- دو بعد زندگی او / فلور الیزه نوبل

- علی بابا

- قصه سیبی که پرواز کرد / ولی‌اله شاکری،

مجتبی مهدی

- سلطان و گاگول / پی‌یر دامینگر

- لافکادیو / محدثه محفوظی نژاد

- علی بابا

- سلطان و گاگول / گبی کینشروف، پی‌یر دامینگر

موسیقی

- علی بابا / موهده حفیظا سیکیاک

- لاکریموسا

- قصه سیبی که پرواز کرد / ونداد مساح زاده

- سلطان و گاگول / پی‌یر دامینگر

- **بخش جلوه‌های ویژه**

- لاکریموسا / برونو پیلز

- دو بعد زندگی او / فلور الیزه نوبل

- بخش بازیگری (آقایان)

- قصه سیبی که پرواز کرد / هوتن شکیبیا

- دست‌های خالی / الکسی ملنیک

- دیگ دیگو / کدخدا

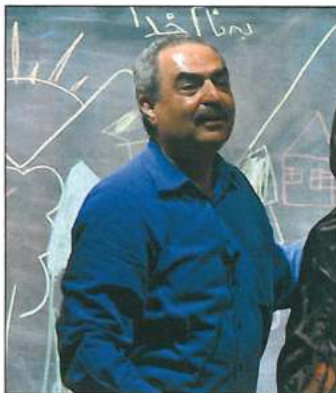
- سلطان و گاگول / سلطان

- بخش بازیگری (بانوان)

- قصه سیبی که پرواز کرد / بیتا خارستانی

- سلطان و گاگول / آنالی شکوری

محبت رمز ماندگاری است



یادش بخیر، به راستی که چقدر زود دیر می‌شود! روزها چقدر سریع می‌گذرند. چه گوهرهایی در کف داشتیم که از دست افتادند، چه فرصتهایی به دست می‌آمدند که نیامدند، و چه بارقه‌هایی که در راهند اما در اثر غفلت و ناآگاهی و ... غریبانه از کنارمان می‌گذرند. راستی دنیا دار عجیبی است. چه می‌رود و چه می‌ماند؟ در این رفت و آمدها چه حکمتی نهفته است؟ آیا آثار یک عمر بود و نبود ما هیچ اثری در دنیا نخواهد گذاشت؟ اگر اینگونه باشد آمدن، بودن و رفتن هم نوعی بیهودگی و پوچی است؟ در صورتی که این نیست. زندگی و روش زندگی، انعکاس رفتار و کردار نسل‌های پیشین ماست، و ماندگارترین هدیه انسان‌ها به عصرها و نسل‌های بعدی است. و هنر متجلی‌ترین راه‌آورد عشق و صمیمیت و محبت است و هنرمند چیزی جز محبت نمی‌خواهد و هیچ نمی‌بخشد جز محبت، عشق و امید.

من به عنوان ناظری که خود را هر چند گاه در برابر آینه به محاکمه می‌کشاند گواهی می‌دهم که در این روزها جز محبت و عشق چیز دیگری ندیدم و اگر چیز دیگری هم بود من ندیدم.

احترام، رمز ماندگاری این جشنواره است. مسئولان جشنواره که خود اهل هنرند و گردانندگان آن نیز چنان محیطی خودمانی ایجاد کرده‌اند که اگر حرفی هم می‌بود زود حل می‌شد. اصلاً به دیگران چه ربطی دارد. اینجا جایگاه انسان‌هایی است که مخاطبشان قلبی

پاک و روحی لطیف دارد. هر چه هست بین خودمان است.

ظلم است که نامی را مجزا کنم و از دایره انصاف خارج شوم. همه محبت داشتند در اوج خستگی حرف‌ها را گوش می‌دادند و تو از عکس‌العمل آنها متوجه می‌شدی که! چشم حتما!

من به توبه خود و گرو هم از همه تشکر می‌کنم و از همه و همه که روزهای خوشی را برای ما ایجاد کردند و ... بر خود لازم می‌دانم از گردانندگان سالن سینمای کانون که هشت اجرای پر از شور و شوق را تحمل کردند و با لبخند و احترام سالن را برای اجرای بعدی آماده نمودند. ما هنرمندیم. یاداش هنرمند اهدای سلام و ابراز محبت است. ما نیز محبت و تشکر خود را به همه به ویژه آنان ابلاغ می‌نماییم.

مسلم قاسمی
نویسنده و کارگردان نمایش دومی‌ها، سومی‌ها

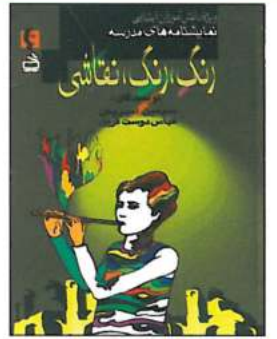
به نام زیباترین زیبایی‌ها



گفتند یادداشتی برای جشنواره کودک و نوجوان، یاد کودکی خودم افتادم. خیلی شیطون و بازیگوش. دوران رنگ و دوران زیبایی‌های بی‌غل و غش. به دور از ریا. به دور از هر چه سیاست بزرگانه. یک دست. شیرین و ناز و امید اینکه هر چه زودتر بزرگ شوم. اما حالا که بزرگ شدم و پا به سن گذاشتم، می‌بینم چه خوش بود آن روزگار. پس دوباره تلاش می‌کنم کودک باشم و به قول بزرگ‌ترها، کودک درونم را زنده نگه دارم و دیگر هرگز آرزوی بزرگ شدن را نداشته باشم. به همین علت هم برای شما خوبان و شما کودکان آرزو می‌کنم هیچ وقت کودک درونتان بزرگ نشود تا همیشه مانند کودکی‌تان پاک، بی‌غل و غش، به دور از ریا و به دور از هر چه سیاست بزرگانه باشید، شیرین و جذاب.

خسرو احمدی





شناخت دنیای کودکان و نوجوانان به نحوی که بتوان آنان را به درستی درک نمود و با این گروه خاص سنی به همدلی و هم‌نواپی رسید، گام اول در پرداختن به نمایش کودک و نوجوان است و در این میان انتخاب قصه و متن نمایش دارای اهمیت بسیاری است چرا که سایر عوامل دست در دست یکدیگر می‌دهند تا قصه را برای مخاطب تعریف کنند.

بنابر تعریف صاحب‌نظران، نمایشنامه‌نویس کسی است که آگاهانه رویاسازی می‌کند و با استفاده مناسب از ابزار که در اختیار دارد ذهن دیگران را در هم ریخته و موجب پرواز مرغ خیال تماشاگر می‌شود.

ویژگی غریب خالق نمایشنامه پرواز روایی یا بدیهه‌سازی اوست. نمایشنامه‌نویس، هنرمند ویژه‌ای است که آنچه بر روی کاغذ می‌آورد به هیچ وجه ادبیات به معنی متعارف آن نیست چرا که ادبیات برای خواننده شدن به وسیله فردی واحد در خلوت خود نوشته می‌شود. در حالی که نوشتن نمایشنامه، خلق اثری است که بازیگران زنده و اشیا در آن درگیرند و بایستی به گونه‌ای خاص برای دیدن و شنیدن گروهی که در مکانی خاص گرد هم می‌آیند تدوین شود.

ساختار نمایشنامه از آغاز تاریخ نمایشنامه‌نویسی تاکنون بر شش عنصر اصلی بنا شده است. این عناصر عبارتند از: شرایط محیطی خاص، گفت‌وگوها، کشمکش و رویدادهای دراماتیک، اشخاص بازی، ایده و ریتم نمایشنامه، به تعبیری دیگر هر نمایشنامه مانند یک ساختمان دارای اسکلت فلزی و تعدادی ستون‌های اصلی و به اصطلاح یک زیرساخت است که قسمت‌های خارجی و رونما بر آن سوار شده است. شرایط

یکی از بخش‌های جشنواره امسال، قسمت داوران کودک و نوجوان است. بخشی که تعدادی از کودکان و نوجوانان پس از گذراندن مراحل گزینش و کارگاه‌های آموزشی به نمایندگی از هم سن و سالان خود، نمایش منتخبشان را اعلام می‌کنند.

از این داوران که تعدادشان ۱۰ نفر است خواستیم نظرشان را روی کاغذ بنویسند.

محمد بهروزپور - ۱۳ ساله
جشنواره بین‌المللی تئاتر استان همدان بسیار خوب بود. افتتاحیه جشنواره و تئاترها می‌توانست بهتر باشد. در عوض مجالس تحلیل تئاتر ما بسیار خوب و هیجان‌انگیز بود. در طی مدت داوری خودم، لذت زیادی بردم زیرا تمامی تئاترهای جشنواره (بخش مسابقه) را دیدم.

شادی زواری - ۱۰ ساله
افتتاحیه جشنواره خیلی خوب بود به خصوص تخم مرغ‌ها و بادکنک‌ها خیلی جذاب بود و گروه فیتیله هم برنامه را خیلی عالی اجرا کرد. بهتر است از داوران جشنواره تئاتر کودک و نوجوان پذیرایی بهتری شود. نماد جشنواره که تخم مرغ است خیلی زیبا است.

شیمیا فرهانی دلجو - ۱۳ ساله
در مراسم افتتاحیه، کار گروه نمایشی فیتیله خیلی جالب بود و به نظر من همگی لذت بردند. با این حال اگر به جای قصه گو شخص دیگری را می‌آوردند بهتر بود و می‌شد از سالن دیگری هم استفاده کرد. کار گروه تئاترهای خیابانی و مخصوصاً «سوپ سنگ» بسیار زیبا و دیدنی بود. نماد جشنواره (تخم مرغ شکسته) با محتوای بیرون ریخته بسیار با مزه بود.
ملیکا حرف‌بر - ۱۰ ساله

محیطی خاص مانند اسکلت فلزی و ستون‌های اصلی یا زیرساخت نمایشنامه و گفت‌وگوها مانند روینای آن است.

هسته مرکزی نمایشنامه را رویداد دراماتیک و اشخاص بازی تشکیل می‌دهند و بالاخره اینکه هسته مرکزی در درون این ساختمان که زیرساخت و روینای مشخص دارد شکل گرفته و رشد می‌نماید.

بعضی نویسندگان فکر خاص را مدنظر قرار می‌دهند، سپس اشخاص بازی و حوادثی را که می‌توانند در مسیر اثبات این فکر عمل کنند انتخاب و آنان را به عمل در جهت فکر مورد نظر خود وامی‌دارند. اما روش دیگر که گروهی آن را نویسندگی خلاقانه می‌نامند این است که نویسند

بیشتر با روش بدیهه‌گونه عمل می‌کنند. به این ترتیب که مثلاً یک شخص را با شخص دیگری، در شرایط محیطی خاص و در لحظه‌ای معین روپرو می‌کنند.

این مواجهه ممکن است با یک جمله و یا یک حرکت به وسیله یکی از اشخاص بازی شروع شود اما ادامه این روپرویی و چگونگی آن نه بر حسب تصمیم نویسنده از قبل، بلکه بنا به سرشت اشخاص بازی و شرایط محیطی با روش بدیهه‌گونه تعیین می‌شود. بدینوسیله نویسندگانشان را دنبال کرده و آنچه را پیش می‌آید ثبت می‌کنند.

در حال حاضر یکی از کاستی‌های موجود در نمایش کودک و نوجوان ما فقدان متون نمایشی مناسب و درخور اجراست. البته جای بسی



عباس دوست‌قرین

متولد ۱۳۵۰ در شهر همدان می‌باشد. او فعالیت هنری خود را با شعر آغاز نموده و در مسابقات ادبی مدارس راهنمایی در سطح استان و کشور حضور فعال داشته است. ضمن آنکه در همین مقطع در زمینه خوشنویسی نیز فعالیت‌هایی نموده است. تابستان ۶۶ به پیشنهاد یک دوست

در زمینه‌های حرفه‌ای نمایشنامه نویسی می‌باشد.

حضور در جشنواره‌های متوالی تئاتر کودک و نوجوان امید در سال‌های بعد و کسب مقام از چهار دوره متوالی و نیز چاپ مجموعه نمایشنامه الف، ب، پ، تنبل (انتشارات گنجنامه) مجموعه نمایشنامه رنگ نقاشی به طور مشترک با سیمین امیریان (انتشارات مدرسه)، مجموعه نمایشنامه نی‌لبک جادویی مشترک با حسن کریمی (انتشارات مدرسه) و تألیف و تحریر بیش از بیست نمایش کودک و نوجوان که آخرین آن تحت عنوان لولو میا از سوی مرکز هنرهای نمایشی در دست چاپ می‌باشد.

در کنار فعالیت‌های نمایشی عباس دوست‌قرین در زمینه تولید و ساخت فیلم و سریال‌های تلویزیونی نیز فعالیت می‌نماید که ساخت چهار سریال عروسکی و دو تک قسمتی در تلویزیون و نیز ساخت چند فیلم داستانی و انیمیشن در کارنامه فعالیت‌های اوست.

نظرات داوران کودک و نوجوان در مورد جشنواره تخم مرغ کوچولوی جشنواره پایدار بمان!!!

مرغ خوشگل و بامزه جشنواره بین‌المللی تئاتر دارم.

مهدی خادمیان - ۱۶ ساله
میزبانی برای گروه‌ها بسیار مطلوب بود. اما فکر می‌کنم نمایش‌های سال‌های قبل بهتر بود. ما داوران کودک و نوجوان می‌خواهیم نمایش‌های بین‌الملل را هم ببینیم. نمایش‌ها برای کودکان بود و اثری برای نوجوانان دیده نشد. در آخر اینکه، تخم مرغ کوچولوی جشنواره پایدار بمان!

جشنواره تئاتر بسیار خوب بود. افتتاحیه خوب بود. همه تئاترها خوب بودند. ترجیح می‌دادم که به جای تخم مرغ، پروانه را می‌دیدم.

نیما صادق بیان - ۱۳ ساله
امسال اکثر تئاترهایی که دیده شد به جز دو سه مورد، در حد انتظار بودند. یکی از خواسته‌های ما داوران کودک و نوجوان این بود که به غیر از کارهای ایران، کارهای بین‌المللی را نیز تماشا و داوری کنیم. در آخر آرزوی

پایداری برای تخم مرغ



خوشحالی است که در ادبیات کهن و قصه‌های عامیانه ایرانی می‌توان نمونه‌های بسیاری از داستان‌های ویژه کودکان و نوجوانان یافت.

در ضرورت آشنایی کودک و نوجوان، به هر دو شاخه ادبیات رسمی و عامیانه هیچ شکلی نیست. اما باید دانست که راز غنای این میراث ادبی کهن در بازآفرینی و بازنویسی آن است. چنانکه سیمرغ در آثار بوعلی، غزالی، ناصر خسرو و مولوی هر بار به شکلی نو آفریده شده است.

در حدود سال‌های ۱۳۰۰ جبار عسگرزاده معروف به باغچه‌بان اقدام به خلق آثار ادبی ویژه کودکان و نوجوانان می‌نماید. او در این زمینه شعر می‌گوید و نمایشنامه می‌نویسد. در همان زمان گروهی دیگر همچون علی‌نقی وزیر و مهدی آهی افسانه‌هایی از ملل مختلف و به ویژه اندرسن را به زبان فارسی ترجمه می‌نمایند.

به طور کلی متون نمایش ویژه کودک و نوجوان را از نقطه نظر منابع می‌توان به سه بخش تقسیم نمود.

اول: متون خلق شده، دوم: متون بازنویسی شده از قصه‌های ایرانی، سوم: متون بازنویسی شده از قصه‌های سایر ملل.

البته این سه گروه در دو محور داستان‌های تخیلی و واقعی قرار دارد. هر یک دارای جایگاه خاصی در این مقوله‌اند.

یک نمایشنامه‌نویس کودک و نوجوان باید دارای سه ویژگی مهم و اساسی باشد.

اول: شناخت کافی از خصوصیات گروه مخاطب، دوم: احاطه کافی بر زبان و ادبیات کودک و نوجوان، سوم: ذوق و توان نویسندگی ویژه کودک و نوجوان.

فرانک نوری - ۱۶ ساله

تئاترها بد نبودند اما قصه برخی از آنها الگو برداری شده بود. می‌توان در نمایش‌ها به ایرانی بودن ما اشاره کرد به هر حال فرهنگ لغت داریم! اما باز هم ممنونیم که جشنواره امسال به همدان بازگشت.

سارا زارعی - ۱۴ ساله

به امید خدا این جشنواره زمینه‌ای برای جشنواره‌های قوی‌تر و بهتر خواهد بود. در مراسم افتتاحیه، قسمت سایه بازی بد نبود اما این مراسم می‌توانست بهتر از این باشد و البته خیلی متوجه قصه نشدید! نمایش «ترب» از بقیه اجراها جالب‌تر بود. ما بعد از هر نمایش با هیات داوران جلسه می‌گذاشتیم و با هم به توافق می‌رسیدیم و درباره تئاترها قضاوت و داوری می‌کردیم.

فروش گل زاده - ۱۶ ساله

افتتاحیه جشنواره می‌توانست بهتر باشد. فکر می‌کنم بهتر بود تئاترهای بین‌المللی را هم می‌دیدیم. پذیرایی از داوران می‌تواند بهتر انجام شود. ولی نماد تخم مرغ به جشنواره مربوط بود.

حسین قاسمی هنر - ۱۰ ساله

افتتاحیه جشنواره می‌توانست در مکان بهتری انجام شود. نماد جشنواره که تخم مرغ است خیلی زیبا بود ولی آرم جشنواره می‌توانست شکل دیگری باشد. نمایش‌های جشنواره خیلی خوب بود ولی می‌توان به بخش نوجوان توجه بیشتری کرد. نمایش‌های بخش ایران می‌توانست بیشتر باشد. ضمن اینکه می‌خواهیم داوران از نمایش‌های بین الملل هم دیدن کنند.

یکشنبه ۱۱ مهرماه ۱۳۸۹
شماره پنجم



روزنامه هفت‌شنبه جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان

والدین عزیز روی سخنم با شماست

♦♦♦ دکتر حسن دولت‌آبادی

فعالیت‌های مورد نظر خواهد بود. از قرن پنجم پیش از میلاد که تئاتر در یونان ابداع شد، تا امروز که اثر تربیتی تئاتر جنبه علمی یافته است، از فرایند نمایش و آثار نمایشی به منظور تقویت یکپارچگی ذهنی و بدنی، برای بهداشت و سلامت روانی و آموزش، استفاده هدفمند می‌شود. امروز روانشناسان دریافته‌اند که بچه‌ها در قالب نمایش مسائل خود را بیان و مشکلات خود را بیرونی می‌کنند تا مفهوم و معنا و اثر تخیلات خود را بشناسند و در فضایی حمایتگر و ایمن، توانایی بیشتری برای مشاهده خود پیدا کنند.

داستان، قصه و نمایش به آنها فرصت می‌دهد که مسائل خود را در فضاهای خیالی اما امن جستجو کرده و تعارضات درونی‌شان را در شخصیت‌های اثر نمایشی فرآکنی و با آنها همانندسازی کنند. نمایش فرایند رشد هیجانی و شناختی کودکان را تسهیل و نظرات نو و بدیع را در آنها تقویت می‌نماید و مهمتر از آن رفتارهای سازگارانه را در محیط خانواده، مدرسه و جامعه بیشتر می‌کند. نمایش با اطلاعاتی که در اختیار کودکان قرار می‌دهد، به آنها در یافتن معنی زندگی کمک می‌کند. اینها تنها بخش بسیار محدودی از قابلیت‌های نمایش است.

دو کتاب «تربیت به کمک نمایش» و «تربیت به کمک تئاتر» را که برای والدین نوشته‌ام و نشر قطره آنها را در دست چاپ دارد، نتیجه سال‌ها تجربه عملی من است که در آنها به‌طور مشروح و به طریق عملی به این مهم

پرداخته شده است. اگر همه والدین و نیز مسئولان و مدیران تربیتی جامعه بدانند که تئاتر کودک تا چه اندازه از تنش‌های بزرگسالی جامعه می‌کاهد، حتماً تئاتر را به واحد درسی تبدیل خواهند کرد و والدین را به استفاده از آن در خانه تشویق خواهند نمود. پس در کنار همه هزینه‌ها و وقتی که صرف فرزندتان می‌کنید، به فعالیت متنوع و لذت‌بخش تئاتر هم بپردازید تا تأثیرات معجزه‌آسای آن را در تربیت فرزندتان ببینید. با اطمینان می‌گویم که شما قادر به تولید تئاتر هستید، بازی کردن و هدایت فرزند برای مشارکت در تولید یک تئاتر زیاد هم سخت نیست. کافی است که به ضرورت انجام آن واقف و برای انجام‌دادنش متقاعد شویم. یعنی بپذیریم که داستان‌گویی و اجرای نمایش یک امکان مهم و ضروری در تربیت فرزند ماست و ما می‌توانیم و باید توانایی خود را در انجام این فعالیت افزایش دهیم. تأثیر تربیتی‌ای که تئاتر از آغاز پیدایش تاکنون بر جامعه بجا گذاشته به معنی پذیرش این نکته است که تأثیرگذاری تربیتی شما بر فرزندتان، آن هم به کمک تئاتر، ممکن و بسیار مطلوب است. ما اغلب بدون آن که توجه داشته باشیم، بازیگران و کارگردان توانایی در زندگی شخصی خود هستیم. اگر به روابطمان در مهمانی‌ها، به نوع لباس پوشیدن و برخوردهای رسمی و غیررسمی و مکالمات و مذاکراتمان توجه کنیم، درمی‌یابیم که چه بازیگران و کارگردانان باتجربه‌ای هستیم.

بسیاری از والدین به دلیل تصویر ذهنی و تجربه‌ای که از تئاترهای حرفه‌ای دارای دکور و برخوردار از امکانات صحنه دارند، نگرانی خود را از ناتوانی تأمین آن امکانات و شرایط برای تولید تئاتر توسط فرزندشان به من ابراز می‌دارند. همانطور که به آنها

شاید شما هم در مواجهه با نارسایی‌های رفتاری فرزندتان گاه دچار هراس شده‌اید. علت این هراس، در درجه نخست عشق شما به اوست. به همین دلیل می‌کوشید تا به شیوه‌های گوناگون او را تربیت کنید. اما یک نکته قطعی است و آن این که اقدامات شما باید اهداف و روش‌های علمی استوار باشد. آن کس که آگاهانه به این عرصه قدم نگذارد و به تربیت تصادفی و خودبه‌خودی فرزندش دل خوش بماند، چون معماری است که بدون طرح و نقشه، دیوارهایی می‌چیند. گرچه ممکن است برخی از این دیوارها در بنای نهایی به‌کار آید، اما بدون تردید بسیاری از آنها تخریب خواهد شد. به جای آن که فقط از کلام استفاده کنید، از داستان و نمایش هم بهره بگیرید. یکی از امتیازات این روش‌ها ایجاد فرصت برای اظهارنظر بچه‌ها و مشارکتشان در



شماره پنجم
بگشاییه ۱۱ مهرماه ۱۳۸۹



روزگار هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان / همدان

گمشده

اکرم ابوالمعالی



به قول «پی‌پی»

شخصیت کتاب

«پی‌پی در جزیره»، «بزرگ بودن اصلا جالب نیست!» آدم بزرگا هیچ وقت دلیل زیادی برای خوشحال شدن ندارند. اونا کلی کارای خسته‌کننده دارن و همیشه درباره پول و مالیات حرف می‌زنن، ... وقتی خوب به دور و برم نگاه می‌کنم، می‌بینم واقعا حق با پی‌پی‌ه.

من در آستانه ۴۰ سالگی اگه دماغم رو به شیشه اتوبوس بچسبونم و به پسر بچه اتومبیل کناری زبون درازی کنم مردم می‌گن اون آدم کاملا دیوونه‌ست.

اگه، موقع خرید تو بازار سلوغ روز از نگاه کردن به جنس‌ها دست بکشم و کنار کالسه دختری موفرفری بشینم و براش شکلک درآرم مردم می‌گن، اون آدم کاملا دیوونه‌ست.

اگه تو مهمونی شام، بحث جدی خرید ملک و املاک رو رها کنم و بپریم تو اتاق با نور لامپ، سایه بازی راه بندازم و قهقهه بچه‌ها بلند بشه، مردم می‌گن، «چه خبره؟!» یا «یه کم آروم‌تر، از وقت خوابتون گذشته!»

حتما می‌گن! اون آدم کاملا دیوونه‌ست.

اما وقتی توی سالن تئاتر جوراب‌های لنگه به لنگه پای غول بکنی، موهاش رو رنگ سبز و آبی - صورتی بزنی، بازیگرت رو با یه ورد ساده به قورباغه تبدیل کنی، در یه لحظه به سفر فضایی بری و برگردی، با یه چشم به هم زدن به سفر دریایی بری و از دهارو شکست بدی، بچه‌ها می‌خندن و شاد می‌شن و جیغ می‌زنن و همراهت به هر کجا که بخوای می‌آن و اگه سفر بهشون خوش بگذره بازم دلشون هوای تئاترو می‌کنه و هیچ بچه‌ای نمی‌گه «اون آدم، دیوونه‌ست».

من در تمام عمرم از هر چیزی که ترسیدم براش یه راه پیدا کردم. از تنهایی و نبودن هم‌صحبت می‌ترسیدم، شروع به نوشتن کردم. از تمام شدن مدرسه می‌ترسیدم، معلم شدم و از تمام شدن بچگی‌ام وحشت داشتم، تئاتر کودک رو انتخاب کردم و حالا من آدم بزرگی هستم که سعی می‌کنم لحظه‌های کودکی رو فراموش نکنم.

لیندگرن، آسترید، پی‌پی در جزیره، مهناز رعینی، هوس، ۱۳۸۲، ص ۱۱۶.

اگر قرار است شعر شما دوبخشی باشد و دو مفهوم خوب و بد در آن گنجانده شده باشد، ترتیبی دهید که بخش خوب و مثبت شعر شما را بچه‌ها بخوانند و شما بخش دیگرش را بخوانید.

کافی است بپذیرید که می‌توانید تئاتر تولید کنید و باور کنید که امکانات انجام چنین فعالیتی فراهم است. مهمتر از اینها به فرزندتان که به کمک شما نیاز دارد فکر کنید. پس از این خواهید پذیرفت که می‌توانید به کمک نمایش به او یاری رسانید. او خود هم یاری‌تان خواهد کرد.

کتاب‌های نمایشنامه‌های آسان ... من هم برای اجرا شدن تئاتر توسط کسانی که هیچ‌گونه آشنایی با تولید و اجرای تئاتر ندارند نوشته شده است. همچنین این آثار به لباس و وسیله خاصی نیاز ندارند یا وسایل مختصر مورد نیاز بعضی از نمایشنامه‌های آن کتاب‌ها، به سادگی قابل تأمین است. نمایشنامه‌های این مجموعه بسیاری از نیازهای شما را برای تربیت به کمک نمایش تأمین خواهد کرد. آستین بالا بزنید و شروع کنید. بخشی از خانه را برای اجرای تئاتر در نظر بگیرید. بعد از آن که در تولید چند تئاتر به فرزندتان کمک کردید، توانایی‌هایی که در وجود شماست خود را نشان خواهد داد. شروع کنید.



از کشورها نیست که برای ورود به این عرصه، به مدرک تحصیلی نیاز باشد. می‌توان آگاهی‌های لازم را از راه‌های دیگر هم کسب کرد. پس علاقمندان می‌توانند در رشته‌ای که زندگی‌شان را تأمین کند، تحصیل کنند و همزمان یا پس از تحصیل در این زمینه فعالیت کنند.

فرزندانم گرچه در کودکی و نوجوانی تجربه‌های موفقی در بازیگری کسب کردند و حتی موفق به کسب جوایز مهمی از جشنواره‌های برجسته شده‌اند، اما تئاتر نخواندن، بلکه با آگاهی‌هایی که با مطالعه و مشاهده کسب کردند، آگاهانه از این هنر لذت می‌برند و آنها هر کدام در زمینه‌ای در هنرهای فردی یعنی معرق، طراحی، انیمیشن، موسیقی و عکاسی هم فعالیت دارند.



بچه‌ها استفاده کنید مثلا برای تولید صدای باران از بچه‌ها بخواهید که با دو انگشت به کف دست خود بزنند، یا صدای زنبور، اردک، باد و ... را بیان کنند، یا خودتان این صداها را تولید کنید. این فعالیت‌ها خصوصاً در نمایش‌هایی که در آنها صدایی خاص چند بار تکرار می‌شود، بر جذابیت اثر می‌افزاید. من در تمام ۱۵۰ نمایشنامه کتاب‌های «نمایشنامه‌های آسان برای اجرا در کلاس درس و صحنه تئاتر» خود، این تکنها را به آسانی مرتفع کرده‌ام.

سرودن شعرهای ساده و خواندن این سرودها به صورت جمعی توسط بچه‌ها، سوال کردن با شعر، یا خواندن شعر به صورت سوال و جواب و توسط دو گروه هم، برای بچه‌ها لذت‌بخش خواهد بود. اگر به شاعری که بتواند به شما کمک کند دسترسی ندارید، از کتاب‌هایی که حاوی اشعار کودکانه است استفاده کنید.

من هم همدانی هستم

پرانرژی‌تر می‌کرد. بی‌دلیل نیست که گفته شده آکتورها (بازیگران) به لحاظ ضریب هوشی، بعد از پزشکان در رتبه دوم قرار دارند. ماهی سفیدهای دریا هم کار خودش را می‌کرد.

مطالعه کتاب توسط من و همسرم، به همه فرزندانم هم سرایت کرده است. به طوری که گاه می‌دیدم هر پنج نفر مشغول مطالعه‌ایم، فرزندانم تقریباً همه کتاب‌های مرجع و نمایشنامه‌های مهم موجود در ایران را خوانده‌اند.

برای بچه‌هایی که علاقمندان این مسیر را طی کنند، می‌گویم که این کار، خصوصاً بازیگری، به عکس ظاهر آسانش، کار بسیار سختی است. دوم آنکه جاذبه بازیگری و مشاهده چند هنرپیشه مشهور نباید باعث شود که همه به این حرفه رو آورند. حرفه هنرمندان را به لحاظ معاش تأمین نمی‌کند. بعد هم اینکه علاقه‌ای که با مشاهده توفیق دیگران ایجاد می‌شود لزوماً به معنی موفق شدن ما نیست.

کسب تجربه خصوصاً در سنین پایین، معیار خوبی برای سنجش توان خویش است. با کسب آگاهی نسبت به سینما و تئاتر، می‌توان به بیننده‌های آگاه تبدیل شد و از دین آثار هنری لذت برد. علاوه بر این در کشور ما، مثل خیلی



گفته‌ام به شما هم می‌گویم که تأمین امکانات و اشیای مورد نیاز تئاتر، نگران‌تان نکند. قراردادهای نمایشی کار را آسان کرده است. کافی است شیئی خاص را نشان دهید و مثلاً بگویید که این دریا، یا یک در، یا تکه‌ای ابر است. آن وقت فرزند شما به راحتی در موقعیتی که شما می‌خواهید قرار خواهد گرفت و شیئی مورد نظر را با همان مفهومی که شما می‌خواهید، خواهد پذیرفت.

برای تولید صداها (افکت‌ها)ی مورد نیاز نمایش هم دغدغه‌ای به خود راه ندهید. از



حسن دولت‌آبادی متولد ۱۳۳۵ ساری

تئاتر را از ۱۳۵۰ آغاز کردم. از پژوهش‌هایم ۲۰ کتاب چاپ شده و ۲۲ کتاب زیر چاپ دارم. از سال ۱۳۶۰ تئاتر را به صورت آزاد و نیز در چند دانشکده تئاتری تدریس می‌کنم. داور، منتقد، مدیر هنری، برنامه‌ریز هنری، سردبیر چند نشریه، بازیگر تئاتر، رادیو، تلویزیون و سینما بوده‌ام. در چند جشنواره تئاتر داخلی و خارجی شرکت و جوایز و امتیازاتی کسب کرده‌ام. بگذرید بگویم که ضمناً من هم همدانی هستم. اما جالب است بدانید چگونه.

پدرم ملایری است و ملایر از شهرهای همدان است. هنوز هم در بخش مرکزی شهر ملایر، پارک دولت‌آباد وجود دارد. فامیلی‌ام از نام قدیمی ملایر که دولت‌آباد بود گرفته شده است. با همه علاقه‌ای که به ساری دارم، در استان همدان و شهر ملایر که پدر مرحومم عاشق آن بود، احساس غریب نمی‌کنم.

همسرم فردی عمیق، هوشمند، مهربان و اهل مطالعه و تفکر است. بر خواسته‌های من برای تربیت بچه‌ها و رسیدن به شرایط مطلوب کنونی تأثیر بسیاری داشته است.

پنهان نمی‌کنم که عدم حضور پیوسته‌ام یا حضور داشتن در خانه ولی در اتاقی خاص و در میان کتاب‌ها، باعث می‌شد که همسر گلايه‌مند شود. اما در مقابل، مشوق اصلی و حامی جدی من هم او و بچه‌های نازنینم بوده‌اند که از همه آنها با تمام وجود تشکر می‌کنم.

بدیهی است در خانه پدری، نگرانی از تربیت بد، به دلیل انجام فعالیت‌های بیرون از خانه مطرح بود؛ نه نیاز به حضور به عنوان همسر و پدر.

والدینم از بابت عقب‌ماندن احتمالی از درس، نگران می‌شدند و تذکر می‌دادند، اما شیفتگی بسیار من نسبت به فعالیت‌های هنری و سلامت رفتاری نمی‌گذاشت مانع شوند. علاوه بر این وقتی درس را می‌خواندم و در دو عرصه هنر و مدرسه موفق بودم، دلیلی برای جلوگیری وجود نداشت.

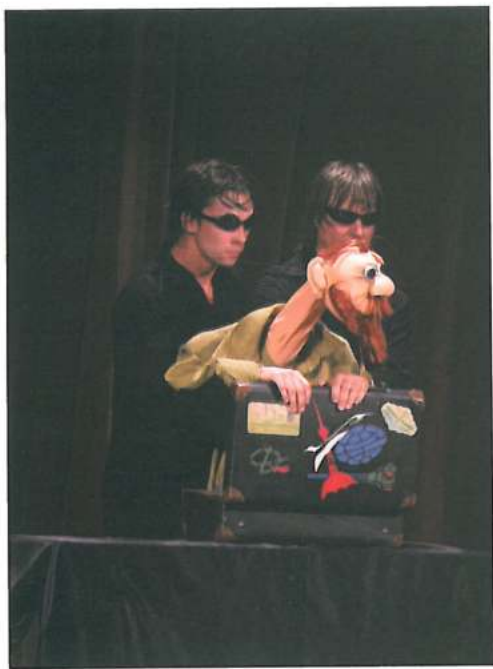
واقعا نه. هم نظارت والدینم وجود داشت و هم ترس از جلوگیری آنها از فعالیت‌هایم. علاوه بر این، تئاتر مرا



شماره پنجم
مهرماه ۱۳۸۹

روزنامه هفت‌شنبه چشمتو رو بین همگان
تئاتر کودک و نوجوان / همدان

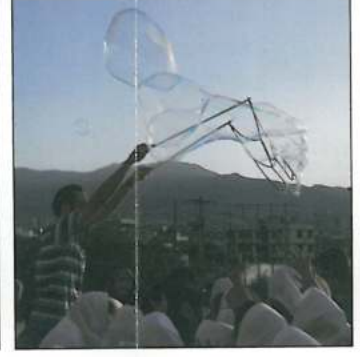




روز
چهارم
در قاب
تصویر



۷
یکشنبه ۱۱ مهرماه ۱۳۸۹
شماره پنجم





نویسنده و کارگردان نمایش قصه سیبی که پرواز کرد:

هیچ رسانه‌ای توانایی رقابت با تئاتر ندارد

آثار کمک کنند. بنابراین، اول باید فضایی موجود باشد تا جشنواره برای حفظ و تداوم آن فضا برگزار شود، در غیر این صورت مسکنی است که گهگاه خون تازه‌ای را به جریان می‌اندازد و می‌گذرد.

■ چه قدر سلیقه مخاطب به ویژه کودکان در انتخاب نمایش‌های شما موثر بوده است؟

- فکر می‌کنم یکی از وظایف هنرمند، ایجاد سلیقه و ارتقای کیفی آن در مخاطب است.

■ حرف آخر:

- که عشق آسان نمود اول:

بازیگران به ترتیب ورود:

هوتن شکبیا، پیمان قاسم‌زاده، بیتا خارستانی، لعلی گرامی، سارا حسینی، روشنک کریمی، احسان مهدی، محمود صامت، مینوش رحیمیان، عبدنژاد با صدای کودک هنرمند: پاریس عزیزی‌نژاد

قصه‌ها و حکایات قدیمی را در پربارتر شدن نمایش‌های کودکان و نوجوانان مفید می‌دانید؟

- این همان پرداخت درست و اصولی است که ممکن است استفاده از قصه‌های قدیمی را ایجاب کند و وقتی ایجاب شد دیگر نمی‌شود از آن گذشت. از اینها گذشته قصه‌های قدیمی ماندگار، به هر حال چیزی داشته‌اند که ماندگار شده‌اند و ما کاری جز تداوم این ماندگاری انجام نمی‌دهیم.

■ وضعیت نمایش کودک و نوجوان ایران را چگونه می‌بینید؟

- البته نمایش و تئاتر دو گونه متفاوت‌اند. برای تئاتر فقط می‌شود گفت که تئاتر کودک و نوجوان حامی ندارد.

■ تفاوت‌های کودکان دیروز و امروز چه تأثیری بر نمایش‌ها می‌گذارد؟

- حرف سالم و صحیح و حرفه‌ای همیشه بر دل‌ها می‌نشیند حتی در زمانی که کودکان آن بدون اینکه بدانند در محاصره مردان عنکبوتی باشند.

■ به نظر شما تئاتر می‌تواند با سایر رسانه‌ها برای جذب کودکان رقابت کند؟

- به نظر من هیچ رسانه‌ای توانایی رقابت با تئاتر سالم و حرفه‌ای را در جهت رشد، شکوفایی و خلاقیت کودکان ندارد.

■ به نظر شما برگزاری جشنواره تئاتر کودک و نوجوان چه تأثیری می‌تواند بر این‌گونه تئاتری بگذارد؟

- هیچ جشنواره‌ای در هیچ کجای دنیا برای به وجود آوردن فضای هنری و پایه‌ریزی این فضا برگزار نمی‌شود، بلکه جشنواره‌ها فقط برای تداوم بخشیدن به فضاهای فرهنگی و هنری موجود شکل می‌گیرند و سعی می‌کنند با تنوع، ابتکار و تشدید حس رقابت به ارتقای سطح کیفی

■ ایده اصلی نمایش از کجا به ذهنتان رسید؟

- جرعه می‌تواند یک عنصر باشد، می‌تواند یک فضا، یک حس، یک کلمه، یک شخص و یا هر چیز دیگری نظیر اینها باشد. جرعه نمایش‌نامه «قصه سیبی که پرواز کرد» از یک سیب شروع شد، از یک سیب سرخ خوشبو و مدت زمان رسیدن به اجرا تقریباً ۶ ماه بود.

■ نمایش شما به نظر می‌آید باز هم همان حکایت قدیمی همه انسان‌هاست. دعوا برای سهم‌خواهی بیشتر و شاید جدال بر سر هیچ! جذابیت این موضوع برای شما چه بوده و فکر می‌کنید چه قدر برای کودکان جذاب باشد؟

- هر موضوع ساده یا پیش پا افتاده‌ای می‌تواند با پرداخت درست و اصولی تبدیل به اثری هنری و حرفه‌ای شود و یک اثر هنری قطعاً از جذابیت‌های خاص خود برخوردار است.

■ چرا برای این اتفاق از عنصری مثل سیب استفاده کردید؟

- من برای پدید آوردن یک اتفاق از عنصری مثل سیب استفاده نکرده‌ام. بلکه عنصری مثل سیب بود که این اتفاق را ایجاد کرد.

■ با توجه به اینکه شما در نگارش نمایش‌نامه از شش قصه معروف و احتمالاً قدیمی ایرانی و خارجی استفاده کردید، چه قدر استفاده از

بیوگرافی مجتبی مهدی حدوداً از سال ۶۱-۶۰ با کارگردانی نمایشی مذهبی به نام «راه آزادگی» به نویسندگی پدرم، احمد مهدی، برای بزرگسالان به جرگه تئاتری‌ها پیوستم که این نمایش بعدها با دو شیوه دیگر کارگردانی و تغییراتی در متن، با عنوان «لحظه تصمیم» به روی صحنه رفت و آخرین اجرای آن در سال ۸۴ برای گروه سنی نوجوانان در تالار هنر بود. تا سال ۶۸ به عنوان دستیار کارگردان، طراح صحنه و عروسک‌گردان در کارهای پدرم شرکت داشتم. در سال ۶۹ با تلفیق خیمه‌شب‌بازی و تخت حوضی نمایش کم‌دی دیگری برای بزرگسالان در تالار هنر به روی صحنه بردم و پس از آن جذب کار کودک شدم. تا امروز حدود ۳۰ نمایش‌نامه برای کودکان نوشته‌ام که شاید ۲۰ نمایش روی صحنه رفته‌ام و ۱۰ کتاب نیز برای کودکان منتشر کرده‌ام.

یادداشت کارگردان

همیشه شروع به نوشتن نمایش‌نامه‌ای برای کودکان و یا تصمیم به اجرای چنین حرکت دشواری آنقدر برانگیز و تشنگان و انرژی‌زاست که همه چیز را فراموش می‌کنم. همه کسب‌وکارها، کسب‌وکارها و سفتی‌هایی که در کار قبل داشته‌ام و یا امیرانه‌ای که پشت سر گذاشته‌ام و حس غریب و ناشناخته‌ای دوباره قلم را به دستم می‌چسباند و آنقدر زمین‌گیر می‌کنم تا کار تمام شود و یا به آغاز تمرین وصل شود و پس از آن هم تمرین و تمرین و باز هم رنج و سرمستی و رضایت از پیشرفت گروه و در نهایت اجرا و صحنه. که شاید شروعش آغاز تنفس است و پایانش آغاز رولاپسی و تشویق و فاصله. قاطرات خوب همیشه برایم تأثیرگذارتر و شگفتی‌سازتر و مانع‌گرا تر از قاطرات پر بوده‌اند. اما، امان از این فاصله که گاهی پایش را از گلیشن درازتر می‌کند. فاصله تا کار بصری، فاصله تا تمرین بصری، فاصله تا دست و پند و قلم، تا حس غریب، تا زمین‌گیر شدن دوباره و... از همه پرتر فاصله‌ای که بین مسئولان آموزش و پرورش و تأثیرات تربیتی تئاتر به وجود آمده و روز به روز هم بیشتر می‌شود. تئاتر را باور کنید مسئولان معترض آموزش و پرورش، مسئولان معترض دبستان علم و دانش، مسئولان تعلیم و تربیت و مهر و کوشش و مسئولان معترض لفظه‌های پرورش تئاتر را باور کنید. و این فاصله عمیق را از میان بردارید. مجتبی مهدی - ۳۰ مهرماه ۸۹



یکشنبه ۱۱ مهرماه ۱۳۸۹ شماره پنجم



روزگار هم‌سین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان / خندان

مردم با غم و اندوه دلک بیشتر ارتباط می گیرند

مهرداد حمزه

رضا یونس فرد کارشناس هنرهای نمایشی با گرایش بازیگری است و نزدیک به ۱۰ سال است که به طور حرفه ای تئاتر کار می کند.

وی با شرکت در جشنواره های مختلف داخلی و فستیوال های خارجی تجربه های گوناگونی در زمینه بازیگری و کارگردانی نمایش های بزرگسال و کودک به دست آورده که گاهی اوقات (مانند بازیگری سوم چهاردهمین دوره همین جشنواره تئاتر) همراه با کسب جایزه بوده است.

ایده داستان چگونه به ذهنتان رسید و مدت زمان رسیدن آن به اجرا چقدر طول کشید؟

کاملاً کارگاهی، در یک دوره کلاس آموزش بازیگری که من افتخار این رو داشتم در خدمت بچه های علاقه مند باشم، اتودها و توانایی هایی از بچه ها میدیدم که ذهنیت من رو به سمت آغاز یک تجربه پر پرسوناژ (که واقعا سخت است) سوق داد، طرح اولیه داستان آماده شد و شخصیت ها کم کم شکل گرفت، با وقفه هایی که به خاطر مدرسه رفتن بازیگرها و غیره به وجود می آمد کل پروسه تمرین حدود ۲ ماه طول کشید اما استقبال خوب تماشاگران در طول اجراهای عموم خستگی رو از تنمان بیرون کرد.

باز هم همان سوژه عجیب و غریب دلک، سوژه ای که بسیار مورد توجه قرار دارد. شما چرا سراغ دلک رفتید؟

من احساس می کنم کاملاً برعکس! سوژه ایست غریب، در حالی که دلک ها در سراسر دنیا با تمام خصوصیات شناخته شده مشغول فعالیت های مختلف هستند. در ایران فقط برداشتی ذهنی از دلک و دلک بازی آن هم صرفاً به جهت فرم خاص گریم و لباس دیده می شود. (استثنا هم هست) خلاصه بگویم مدت ها بود دنبال قالبی دوست داشتنی بودم که ایده هایی فانتری در آن جای گیرد.

با دلک برخورد کردم و پس از مدت ها

تحقیق و پژوهش و آشنایی درست و حسابی کاری آماده کردم تک پرسوناژ به نام دلک، جالب است بدانید "سفر عجیب دلک" دنباله ای بر "دلک" است، البته با داستانی مستقل.

فکر می کنید کودکان چگونه با دلک داستان شما ارتباط می گیرند؟ آنها دوست دارند دلک قصه شاد باشد یا اینکه.....؟

دلک ذاتاً استاد فضا سازی است. فقط کافیسست دماغ قرمز بزند و ساکت کنار خیابان بایستد

بچه ها (و همینطور بزرگترها) بسیار علاقه مند به موجودی هستند که ظاهری عجیب دارد و کارهایی عجیب و خنده دار می کند، اما جالب است تجربه ۲ کار با موضوع دلک نشان داد دست آخر اکثر مخاطبان با غم و اندوه دلک بیشتر ارتباط برقرار می کنند.

در نگارش این نمایش نامه سعی کردید چه پارامترهایی رو مدنظر قرار بدهید؟

ابتدا راحتی بازیگرانم بر روی صحنه و درک فضا، به نظرم در کارهای شلوغ مثل این بازی های هماهنگ، سکوت ها و همسرای، لحظات به یاد ماندنی رو برای مخاطب به وجود می آورد. در کل شکل تصویری لحظات اجرا مدام در نظرم بود.

وضعیت نمایش کودک و نوجوان ایران را چگونه می بینید؟

جواب این سوال کاملاً تکراریه! می دانیم

که مطلوب نیست، همیشه حرف های قشنگ قشنگ زده می شود، اما به عمل کار بر نمی آید یا دست کم ما که به خودمان ندیدیم.

به نظر شما، تئاتر می تواند با سایر رسانه ها برای جذب کودکان رقابت کند؟

اگر چیز تازه ای ارائه ندهیم، خیر! در برابر رایانه و اینترنت، دی وی دی و بازی های دیجیتال و حتی تلفن همراه، تئاتر محکوم به شکست و نابودبست، مگر جادوی فی النفسه تئاتر درک شود و از قدرت زنده بودن نهایت استفاده رو بکنند و لحظه بسازد. لحظه های به ماندنی که تا سال ها همراه مخاطب می ماند.

به نظر شما برگزاری جشنواره تئاتر کودک و نوجوان چه تاثیری می تواند بر این گونه تئاتری بگذارد؟

صادقانه بگم اگر به اهدا جوایز ختم شود و در طول سال مدیریت نشود، نه تنها تاثیری نمی گذارد بلکه ضرر هم دارد، چون می شود زور زدن برای

تولید سالی یکبار نمایش جشنواره پسند و دیگر هیچ!

چه قدر سلیقه مخاطب به ویژه کودکان در انتخاب نمایش های شما موثر بوده است؟

شکی نیست اول سلیقه خودم به عنوان تولید کننده اثر مطرح بوده است اما مخاطب شناسی اثر باعث می شود هدف گم نشود و به خالق اثر مسیر می دهد که بسیار مهم است و با شعار معروف همذات پنداری، این من بودم که سعی کردم با مخاطب کودک همذات پنداری کنم.

حرف آخر؟

بعد از خسته نباشید به همه دست اندرکاران و بچه های ستاد اجرایی، امیدوارم خاطره خوبی از دوره هفدهم جشنواره برای همه گروه های شرکت کننده به جا بماند و نمایش "سفر عجیب دلک" مورد پسند تماشاگران قرار گرفته باشد.



نمایش کودک باید

به سمت تصویرسازی پیش برود

●●● مهرداد حمزه

رضا عباسی دوم اردی بهشت سال ۱۳۵۸ در محله نازی آباد تهران به دنیا آمد. ۱۲ ساله بود که در یک تئاتر مدرسه ای بازی کرد. بعد از گرفتن دیپلم و رفتن به خدمت نظام سربازی، وارد دانشکده هنر های زیبا دانشگاه تهران شد. تا مقطع کارشناسی ارشد در دانشکده هنر های زیبا تحصیل کرد و همزمان با تحصیل نمایش نامه هایی چون پیرهن زرشکی، سوتفاهم، باغ آرزوها، سکوت، ناموس پرست ها را کارگردانی کرد. البته بیشتر از کارگردانی در مقام مشاور کارگردان و تحلیل کننده نمایشنامه بود. کار تئاتر کودک و نوجوان رو قبل از ورود به دانشگاه به صورت نمایش هایی که در فرهنگسراها اجرا می شد دنبال کرده و با یک وقفه چند ساله بعد از آشنایی با امیر مشهدی عباس دوباره تصمیم گرفت، کار تئاتر کودک و نوجوان رو ادامه دهد. البته در کنار تئاتر به نوشتن کتاب در زمینه تاریخ هنر ایران و جهان و تدریس نیز مشغول است. وی در هفدهمین جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان با تئاتر شکارچی و پرنده حضور پیدا کرده و در چهارمین روز جشنواره در ۳ سانس این نمایش را به روی سن برد. با او گفت و گوی کوتاهی انجام داده ایم، که در ادامه می آید.

■ ایده داستان چگونه به ذهنتان رسید و مدت زمان رسیدن آن به اجرا چقدر طول کشید؟

ایده و متن کار نوشته آقای مشهدی عباس بوده و من فقط این کار رو کارگردانی کردم. ■ باز هم داستان شکار و شکارچی. چی شد که رفتید سراغ این نمایش و ویژگی بارز نمایش نامه آن چیست؟ رابطه بین یک پرنده لطیف و زیبا با یک شکارچی خشن یک نوع تضاد در متن را به وجود آورده که من رو وسوسه کرد تا به سراغ

این متن بروم. شاید بتوان گفت رابطه بین این دو موجود و کشمکش های آنها به خصوص دنیای شکارچی به ظاهر بی رحم و در باطن مهربان، توجه من را جلب کرد.

■ با توجه به اینکه در نمایش شما از حرکات موزون استفاده شده، ارتباط کودکان با این گونه نمایش ها را چگونه می بیند؟

به نظر من حرکت موزون و در کنارش موسیقی یکی از مهمترین ارکان تئاتر کودک محسوب می شوند. چون میزانشن های خطی یا حتی میزانشن هایی که دارای پرسپکتیو هستند نمی توانند آن طور که باید برای یک کودک جذاب باشند. رفت و آمد در طول و عرض صحنه چشم کودک رو خیلی زود خسته می کند و اینجاست که حرکت موزون می تواند جان تازه ای به کار بدهد. شاید دیدن تئاترهای کودک در جهان گفته من را تایید کند.

■ به اعتقاد شما فرمالیسم یا همان شکل گرایی چقدر در تئاتر کودک مهم است؟

شاید تحلیل نقشه داستانی در یک مدت زمانی کوتاه نمایش برای ذهن یک کودک کار دشوار و حتی خسته کننده ای باشد، برای همین بیشتر سعی می کند که به شکل، رنگ، نور و سایر عوامل بصری توجه بکند و به اعتقاد من صحنه نمایش کودک باید پر از رنگ، نور، سطوح فانتزی و هندسی و جذاب باشد نه پر از گفتگو. حتی حرکت بازیگر هم در نمایش کودک باید به سمت تصویر سازی پیش برود و باید گفت که فرمالیسم نقش بسیار مهمی در تئاتر کودک دارد. در اینجا با طرح یک موضوع مسئله را بیشتر توضیح می دهم. مسئله رویداد به معنای عمل نمایشی و روایت به معنای داستان نمایش در تئاتر کودک باید با گره خوردن در شکل گرایی یا فرمالیسم معنا پیدا کند. جذاب ترین داستانها بدون یک صحنه چشمگیر و پر از رنگ و نور نمی تواند کودک را راضی از سالن تئاتر خارج کند.

■ وضعیت نمایش کودک و نوجوان ایران را چگونه می بینید؟

متأسفانه تئاتر کودک و نوجوان در ایران وضعیت مناسبی ندارد، چون با توجه به توضیحاتی که در مورد شکل اجرایی در تئاتر کودک دادم کمبود بودجه و کمک هزینه دست هنرمندان تئاتر کودک رو بسته و آنها را مجبور می کند که با امکانات کم نمایش ها را آماده اجرا کنند. متأسفانه این موضوع برای

مسئولین فرهنگی کشور ما جا نیفتاده که هنرمندان تئاتر کودک با اجرای نمایش زندگی می گذرانند و این عزیزان نیاز به حمایت های مالی دارند. خیلی از مسئولین فرهنگی ما به هنر تئاتر به عنوان یک مرکز درآمدزایی برای دولت نگاه می کنند. در صورتی که تئاتر صادرات نفت یا پسته نیست که پول برای کشور به همراه داشته باشد. تئاتر یکی از انواع خدمات فرهنگی است که دولت ها موظفند امکانات اجرا و پیشرفت آن را به بهترین شکل برای هنرمندان و مردم فراهم کنند، حتی اگر بازگشت مالی برای دستگاه های فرهنگی و هنری تهران حتی وجود نداشته باشد. ما در کلان شهر تهران به اندازه انگلستان یک دست هم سالن برای اجرای تئاتر های کودک و نوجوان نداریم. مدارس هم خیلی این موضوع رو جدی نمی گیرند و فقط در حد اجرای بخشنامه ها به آن عمل می کنند و حتما در شهرهای دیگر اوضاع از این بدتر است. از طرفی خانواده ها آنقدر که به خرید چپیس و پفک بچه ها توجه دارند به خرید کتاب یا بلیط تئاتر توجه ندارند و متأسفانه این امر در دراز مدت هم باعث رکود کیفی و کمی تئاتر های کودک و نوجوان می شود و هم نسلی رو به جامعه تحویل می دهد که کمتر چیزی از هنر و فرهنگ نمی داند. کودک و نوجوانی که تئاتر نبیند یا کتاب نخواند یا فیلم خوب نبیند چطور می تواند رشد فکری و فرهنگی خوبی داشته باشد. شما ملاحظه کنید در جهان هنر تئاتر به قدری اهمیت دارد که به صورت یک واحد درسی در مدارس تدریس می شود. در کنار دروسی چون ادبیات، شیمی، ریاضی و...

■ تفاوت های کودکان دیروز و امروز چه تأثیری بر نمایش ها می گذارد؟

کودکان امروز با انواع بازی های کامپیوتری جذاب و فیلم های انیمیشن سرو کار دارند و این امر باعث می شود که هنرمندان تئاتر کودک و نوجوان با خلاقیت بیشتری نسبت به گذشته به اجرای نمایش بپردازند. شاید اگر در گذشته صرفاً یک داستان جذاب با یک صحنه نه چندان پر زرق و برق می توانست کودک را روی صندلی سالن نمایش ساکت نگه دارد. امروزه لباس های زیبا و دکورهای پر از جذابیت بصری به همراه تکنیک های نورپردازی جادویی و خیره کننده می تواند کودک را راضی نگه دارد و آن را دوباره به سالن تئاتر بکشاند.

■ به نظر شما، تئاتر می تواند با سایر رسانه ها برای جذب کودکان رقابت کند؟

هنر تئاتر به دلیل زنده بودن می تواند با رعایت توضیحاتی که در مورد شکل اجرای تئاتر کودک عنوان کردم حتی بیشتر از سایر رسانه ها مخاطب

رو جذب کند. البته باز هم اشاره می کنم که این دغدغه اول باید برای پدران و مادران به وجود بیاید و آنها این موضوع را به بچه ها منتقل کنند.

■ به نظر شما برگزاری جشنواره تئاتر کودک و نوجوان چه تأثیری می تواند بر این گونه تئاتری بگذارد؟

بیشتر دوستان می دانند که در هیچ کجای دنیا به اندازه ایران جشنواره تئاتر برگزار نمی شود اما شما می بینید که تئاتر ما در سطح بالایی قرار ندارد. جشنواره زمانی می تواند در رشد تئاتر کودک تأثیر بگذارد که محلی باشد برای سفارش گرفتن. به طور مثال مسئولین تئاتری شهر همدان با دیدن کارهای جشنواره یک یا چند کار از شهرهای دیگر را انتخاب کنند و به آن گروه ها در شهر همدان چند اجرا بدهند. این اتفاق در جشنواره های خارجی می افتد و جشنواره به بازاری برای سفارش دادن و سفارش گرفتن تبدیل می شود و این خود نوعی پویایی و رشد را برای تئاتر کودک و نوجوان به ارمغان می آورد.

■ چه قدر سلیقه مخاطب به ویژه کودکان در انتخاب نمایش های شما موثر بوده است؟

به نظر من تئاتر کودک باید ۳ ویژگی داشته باشد: اول مفرح باشد، یعنی کودک لحظات شادی را در سالن تئاتر سپری کند. دوم آموزش بدهد یعنی مسائلی را که به رشد ذهنی و اجتماعی کودک مربوط می شود را مطرح کند. سوم خلاقیت را به همراه داشته باشد. چه در فرم و چه در محتوا. این سه عامل باعث می شود که هم والدین و هم کودکان به جادوی تئاتر پی ببرند و تئاتر به عنوان یک کالای فرهنگی در سبد خانواده جای خودش رو باز کند.

■ حرف آخر؟

از آنجایی که به مشکلات برگزاری جشنواره آگاه هستیم. یک خسته نباشید به برگزار کنندگان همدانی جشنواره می گویم و از زحماتشان تشکر می کنم. اشاره می کنم با بررسی روند رشد کشورهای پیشرفته به این نکته پی می بریم که کشوری که هنر و فرهنگش پیشرفت نکند هیچ چیزش پیشرفت نمی کند.

اگر چه حکایت درد دل های نانوشته هنرمندان تئاتر این دیوار مثنوی هفتاد من کاغذ رو می طلبد اما امیدوارم روزی برسد که تئاتری ها بدون هیچ دغدغه ای فکرهای خود را روی صحنه به اجرا در بیاورند. بدون هیچ دغدغه ای...



۱۰

یکشنبه ۱۱ مهرماه ۱۳۸۹

شماره پنجم

امیر

روزگار هفدهمین جشنواره در بین نمایش تئاتر کودک و نوجوان همدان

Playing four hands

Director: Andrew kniazkov
 Poet & playwright: andrey knyazkov
 Set designer & costume designer: yulia goltsova
 Cast: andrey knyazkov &

alexey melnik
 Lighting designer, script person & set decorator: andrey knyazkov
 Assistant director & stage manager: katsubo Victoria
 Music (musical arrangement): Vladimir antipin
 Set & costume designer: yulia goltsova
 makeup artists: andrey knyazkov, yulia goltsova
 City: Saint-Petersburg, Russia
 Duration: 55 minutes
 Language: without words

Theater group company: suitcase-duet KVAM
 Synopsis: performance playing four hands is that like adults and children: the miracle and beauty that they do two actors with the help of hands, puppets and the most simple things. And, of course, boundless acting fantasies. Presentation consists of individual rooms, each of

them has its own story.
 Company's background: from 2002 to 2009 year: art-visit, petrushka the great, the pink elephant? Voices of history etc Russian festivals.
 South korea- two festival three countries - three colors (2003-2005)
 Iran - festival of student's puppet theater 2007
 Poland two festival (walizka, animo) 2009

International competition on last day



The story of a flying apple

Playwright: Mojtaba Madi
 Director: Mojtaba Mahdi
 Poet: Mojtaba Mahdi
 Cast: Peiman Ghasemzadeh, Bitra Kharestani, Laya Gerami, Sara hasani, Roshanak Karimi, Minoovash Rahimian, Mahmoud Samet, Abdnejad, Ehsan Mahdi. With the voice of the artist child: Parmis Azizdnejad.
 Director assistant: Roshanak

Karimi, Bitra Kharestani, Sara Hasani
 Stage manager: Hosein Shoaie, Farhad Talaelo
 Set & costume designer: Valiallah Shaker, Mojtaba mahdi
 Choreography: Saeed Dakh
 Music: Vandad Massah Zadeh
 Musicians: HiroshNaghshbandi, Navid Jaberi, Mohammadreza

Ghazipour
 Poster and leaflet designer: valiallah shaker
 Makeup puppet and costume designer: roshnak karimi
 Photographer: akhtar tajik
 Production manager: jawad mahdi
 Script person: Zahra lolayi
 Lighting designer: ali ashraf samaie

City: Tehran / IRAN
 Duration: 65 minutes
Theater Group Company: pakan art center
Synopsis: an apple tree grows on the border line of the two farms. The two families that have been friendly for so many years and have great memories together diverge over its possession. In this playwright the writer has used 6 famous Iranian and foreign stories that apple is the main element in all of them.
Director's background: born on 1958/he has high school diploma. He has been as a puppeteer and assistant director in 5 plays, as director & poet in more than twenty plays, he has written about thirty playwrights. As a writer and poet he has published 10 children books. He has established and managed child theater home for 8 years. He has attended in many festivals and won various prizes.



11

Sunday 3 Oct 2010
 Number 5



17th International Festival of Theater for Children and Young Adults



I feel honored to visit this ancient land!

••• Mojtaba Motalebi - Ashkan Shakouri

Kate Newby is an Artistic director of Calgary international children festival and jury of international competition in 17th international children theater in Hamedan.

What do nowadays children want from theater?

Children live in the moment, so when they enter a theatre space, they want to know "what's going to happen?" There is excitement, an anticipation that some thing unique might happen and that causes much energy in them, but when the theatre lights go down, children are ready to be taken on a creative adventure and it is up to the artists to take them on an adventure that is full of wonder, joy sadness, laughter all of our emotions. So if children want anything from theatre, it is simply to go on an adventure. If they see some thing new and experience another world through a story told, children leave the theatre happy and ready to discuss what they've just experienced. That is what we all hope for.

How should theater satisfy children?

Theatre should never be condescending to children (it should never talk down to them). Good theatre that tells a strong story stimulates a child to discuss what they've just experienced or moments in a story that affected them. Good theatre opens up their minds to creativity and discovery through an artistic learning experience.

What are the features of a good theater show?

An interesting, creative story that is told well.

What are the differences between adult and children theater?

I would have to say: apart from the subject matter there shouldn't be any difference. Good theatre is simply good whether it is for children or adult.

Children are intuitive little people. Just because they are smaller doesn't mean they de-

serve less. On the contrary, they deserve the very best theater in order to grow into prosperous human beings. They deserve theatre that has good acting, strong stories, and beautiful presentation. They deserve this because they are our children.

What's your estimation about the way this festival executed?

I am the director of an international festival that attracts 50000 children and families per year. I know it takes much effort to plan and implement



this kind of event and I think the festival in Hamedan does very well. It is organized. The directors and staff are warm and generous. Every one has been very friendly and the food is great.

How can a country improve in the field of a theater?

A country needs to believe in its artists support them financially.

Artists need to travel to other festivals and to find opportunities to work with other artist who are masters in a field. For it is only by watching and working with those better than ourselves that we learn.

What do you think about Iran?

At the heart of any country are its people and I found the people in Iran to be warm, generous and welcoming. It's a wonderful country, rich in culture and I feel honored to have had the pleasure to meet so many nice people, and visit this ancient land.

I try to look at the festival through the kid's eyes

••• Mojtaba Motalebi

Gordon Vajen is a German playwright and director. he has performed many theater for children, he has won plenty of prize, and now he is the head of Frankfurt theater center.

He is one of the judges for the international competition in the 17th international theater festival for children & young adult.

We had a short interview with him which is printed here.

Mr Gordon let's talk about the children theater. Would you tell us, what do children

want from a theater. How a theater can satisfy them?

we can also mention ancient and historical facts. To make it short, taking children serious means that the theater shouldn't be out of their understanding.

In your viewpoint, as some one who worked for children what specific elements can be used in proper theater.

I should mention that, there might be no specific rules or regulations.

It can be a musical one with colorful clothes, or a theatre in which we explain sth without any effort to make the audience understand. The most important fact in above mentioned cases is that those who work should not only be interested in working for children, but also understand the children. Kids are really talented and sensitive, and very soon, they will understand if you took them serious or you're playing tricks on them. We have some plays for young children who can't even talk yet, they see love and kindness in direct

(face to face) visits. And I believe one of the most different tasks for an actor is show that his/her heart is beating for children. There should be limited numbers of audiences in the plays for children, in order to provide a proper atmosphere for having an appropriate connection with the kids. The director should be really more exact and more thought ful than the plays for adults. Adults can be attracted easy but when you fail to win the kid's heart, they will be uneasy and they will be distracted.

How do you analyze the quality of the works in the festival?

Because it is my first presence in Iran, I'm like primary student and every thing seems new and strange. I'm discovering and understanding this atmosphere and I'll try to look at the festival through the kid's eyes. I try to have an open eye and a curious view like them. This enables me to finally judge the works that I've seen without any prejudgment.

12

Sunday 3 Oct 2010
Number 5



- Bulletin of 17th International Festival of Theater for Children and Young Adults
- صاحب امتیاز: دبیر خانه جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان
 - مدیر مسئول: مصطفی رحماندوست
 - سردبیر: فرزاد سپهر
 - دبیر تحریریه: مهرداد حمزه
 - تحریریه: فاطمه عزیزی هرمز، پیام خدابنده لو، علی وزینی، مهناز جابک
 - بخش بین الملل: مجتبی مطلی، النکان شکوری، حسام الدین سموات
 - عکس: نیما دیماری، حامد بادامی، وحید سهرابی
 - لوگو و مدیر هنری: علی پاک نهاد
 - صفحه آرا: سعید شهبازی
 - مدیر اجرایی: فرشید گل محمدی
 - نایب: ترگس مرادی
 - چاپ: یوسف
 - باتشکر از: حجت الاسلام سعید کریمی، محمد علی فرجی، حسین صفی، صادق موسوی و روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان
 - Owned: secretariat of international festival of theater for children and young adults
 - Managing director: Mostafa Rahmandoust
 - Chief clerk: Farzad Sepher
 - Editorial secretary: Mehrdad Hamzeh
 - Editorial members: Fatemeh Azzi Hormoz, Payam Khodabandlo, Ali Vazini, Mahnaz Chabok,
 - International section: Mojtaba Motalebi, Ashkan Shakouri, Hesam Samavat
 - Logo & artistic director: Ali Paknabhad
 - Graphic: Saeed Sahbhazi
 - Photo: Nima Deimari, Hamed Badami, Vahid Sohrabi
 - Executive manager: Farshid Golmohammadi
 - Type: Narges Moradi
 - Publication: "Yoosol"
 - Special thank to: Hojjatolislam Saeed Karami, Mohammad Ali Faraji, Hossain Safi, Sadegh Moosavi and Public Relations of Culture and Islamic Guidance Department.